



تاریخچه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲

فصلنامه علمی پژوهشی آفاق حکمت

سال دوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴، ص ۴۳ تا ۵۶



ابداعات علامه طباطبائی رحمه الله در مسئله وجود رابط دوطرفی

علی فرحانی  استاد سطوح عالی حوزه عملیه قم و دانشگاه امام حسین (ع)

Alifarhani313@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

مسئله وجود رابط هر چند از قدیم الایام در آثار فلاسفه مطرح بوده، اما هیچ‌گاه به عنوان یک مبحث مستقل و مسئله مجزا به آن پرداخته نشده است. ملاصدرا اولین کسی بود که در اسفار، فصلی مستقل را به این مسئله اختصاص داد؛ منتهی در این فصل نیز به توضیح حقیقت وجود رابط و براهین اثبات آن پرداخته نشده است و صرفاً به تفاوت وجود رابط و رابطی اشاره شده است. طرح این مسئله به صورت مستقل و توجه همه‌جانبه به اهمیت و اثرگذاری وجود رابط، از نوآوری‌های علامه طباطبائی رحمه الله است. از نظر علامه طباطبائی رحمه الله، مسئله وجود رابط یکی از مهم‌ترین بخش‌های تفکر فلسفی ملاصدرا و از شاخصه‌های ممتاز نظام تفکری خود ایشان است. تبیین صحیح مباحث مختلفی در فلسفه اسلامی، وابسته به درک صحیح وجود رابط است؛ مباحثی مانند قاعده فرعیه، مقولات نسبی، ترکیب مقولات، معقول ثانی، اتحاد ماده و صورت، استعداد و امکان استعدادی، حرکت، اتحاد عاقل و معقول و مباحث دیگری که بدون قائل شده به وجود رابط نمی‌توان تصویر صحیحی از آنها ارائه نمود. در این مقاله ابتدا حقیقت وجود رابط و به عبارتی چیستی آن تبیین می‌گردد؛ سپس به براهین اثبات وجود آن پرداخته شده و بعد از آن به خواص و آثار آن اشاره می‌شود؛ در مرحله آخر، اشکال و ادله منکرین وجود رابط بیان شده و به آنها پاسخ داده می‌شود.

کلید واژه: وجود رابط، حکمت صدرایی، علامه طباطبائی رحمه الله

مقدمه

از نظر علامه طباطبائی^۱، مسأله وجود رابط یکی از مهم‌ترین بخش‌های تفکر فلسفی ملاصدرا و از شاخصه‌های ممتاز نظام تفکری خود ایشان است. این مسأله در مباحث مختلف فلسفه بسیار مهم و تأثیرگذار است؛ به گونه‌ای که از دانی‌ترین مباحث فلسفی -مانند کیفیت اتحاد ماده و صورت و ترکیب مقولات- تا عالی‌ترین مسائل -مانند مسأله اتحاد نفس با کمالاتش و تبیین حقیقت حرکت جوهری و اشتداد وجود در قوس صعود- را دربرمی‌گیرد.

توجه به وجود رابط و بهره‌گیری از آثار آن در فلسفه، سابقه‌ای طولانی دارد. با بررسی کهن‌ترین آثار و کتب فلسفی و کلامی موجود، مشاهده می‌شود که دغدغه تقسیم موجود به مستقل و رابط و کیفیت و خواص موجود غیر مستقل، مسأله‌ای بحث‌برانگیز بین فلاسفه، عرفا و متکلمین بوده است و در مباحث مختلف از ثمرات آن بهره برده‌اند. این مسأله در حکمت متعالیه و در نگاه صدرالمآلهین، جایگاه ویژه‌ای یافت و ملاصدرا معضلات گوناگونی را به وسیله آن پاسخ داد. فلاسفه پس از ملاصدرا نیز به تبع ایشان، این مسأله را بیش از گذشتگان مورد توجه قرار دادند؛ با این وجود در حکمت صدرایی بحث وجود رابط در ضمن سایر مباحث مطرح می‌شد و فلاسفه در فصلی مستقل به آن نمی‌پرداختند. ملاصدرا در جلد اول اسفار، فصلی با عنوان «فصل فی الوجود الزابط» ارائه نموده و فقط وجود رابط و رابطی و تفاوت این دو را توضیح داده است؛ ولی این فصل نیز به عنوان فصلی برای توضیح حقیقت وجود رابط و اقامه برهان بر وجود آن و بررسی خواص و آثار آن نیست.

طرح این مسأله به صورت مستقل و توجه همه‌جانبه به اهمیت و اثرگذاری وجود رابط از نوآوری‌های علامه طباطبائی^۲ است. ایشان اولین اندیشمندی است که در فلسفه، وجود مستقل و رابط را در فصلی مستقل مطرح نموده و در آن فصل با توضیح مدّعی خود، به بررسی حقیقت وجود رابط و ارائه برهان بر ثبوت آن پرداخته و در مباحث مختلف از ثمرات آن بهره برده‌اند.

تبیین صحیح مباحث مختلفی در فلسفه اسلامی وابسته به درک صحیح وجود رابط است. مباحثی مانند: قاعده فرعیه، مقولات نسبیّه، ترکیب مقولات، معقول ثانی، اتحاد ماده و صورت، استعداد و امکان استعدادی، حرکت، اتحاد عاقل و معقول و مباحث دیگری که بدون قائل شدن به وجود رابط نمی‌توان تصویر صحیحی از آنها ارائه نمود که در ادامه مقاله به بخشی از اهم آثار پرداخته می‌شود. با توجه به اهمیت این مسأله در نظام تفکری فلسفه اسلامی و مناقشاتی که برخی از اندیشمندان در این موضوع مطرح کرده‌اند، در این نوشتار به بررسی مسئله وجود رابط و ثمرات آن در نگاه علامه طباطبائی^۳ و جریان وابسته به ایشان می‌پردازیم.

۱. چستی وجود رابط

علامه رحمته الله این بحث را با تقسیم وجود به فی نفسه و فی غیره آغاز می-کنند. وجود فی نفسه وجود مستقل و وجود فی غیره وجود رابط است. در عبارات برخی فلاسفه و همچنین در کتب اصولی برای توضیح وجود مستقل و رابط، از تعبیر معنای اسمی و معنای حرفی استفاده می شود.

در قضیه ای مانند «الانسان ضاحک» که مطابق با واقع و صادق است مشاهده می کنیم که علاوه بر موضوع (انسان) و محمول (ضحک)، شیء دیگری وجود دارد که اگر موضوع را به تنهایی در نظر بگیریم آن را نمی یابیم. همچنین با در نظر گرفتن محمول نیز به آن پی نمی بریم. اگر موضوع یا محمول را به همراه چیز دیگری هم در نظر بگیریم آن شیء را نمی یابیم. تنها زمانی به وجود آن شیء پی می بریم که به موضوع در کنار محمول نظر کنیم.

بنابراین در این قضیه غیر از موضوع و محمول، شیء دیگری است که عین یا جزء هیچ یک از موضوع و محمول نیست؛ در حالی که با در نظر گرفتن موضوع به همراه محمول، مشاهده می کنیم که از آن دو نیز جدا نمی گردد. این شیء که بین دو موجود مستقل (فی نفسه) ارتباط و اتصال ایجاد می کند همان موجود فی غیره و ربط است.

علامه طباطبائی رحمته الله در بدایه می فرماید: «وجود از جهتی تقسیم می شود به وجود فی غیره و وجود فی نفسه. توضیح این که وقتی در قضایای صادق مثلاً «انسان خندان است» نگاه می کنیم، می بینیم غیر از موضوع و محمول چیز دیگری دارد که رابط آن دو به یکدیگر می باشد، که اگر موضوع به تنهایی و یا محمول به تنهایی بود این رابطه نبود؛ و اگر هر یک از آن دو با شیء ثالثی که به نظر ما رابطه ندارند تصور می شدند، رابطه مزبور نبود. این يك مطلب دیگر این که با دقت نمودن، ملاحظه می کنیم که وجود چنین رابطه ای يك وجود مستقل سومی میان دو وجود (موضوع و محمول) نیست، وگرنه احتیاج به دو رابط دیگر داشتیم که این وجود مستقل رابطه را به آن دو یعنی موضوع و محمول ربط دهد؛ یعنی مجموعاً پنج تا بشوند! اگر دو رابطه آنها هم، مثل رابطه اولی مستقل باشند، باز هم چهار رابطه دیگر می خواهیم که آنها را به هم ربط بدهد که مجموعاً بشوند نه تا و همین طور تا بی نهایت پیش بروند» (طباطبائی، ۱۴۱۴، ۴۰).

تحقق وجود فی نفسه بدیهی است؛ زیرا بالوجدان در خارج موجوداتی را مشاهده می کنیم که وجود مستقل دارند؛ ولی اثبات وجود فی غیره نیازمند اقامه برهان است و برای اینکه تقسیم وجود به فی نفسه و فی غیره صحیح باشد، باید تحقق وجود فی غیره را اثبات نماییم.

۲. برهان اثبات وجود رابط

علامه طباطبائی^۱ با بیان یک برهان، تحقق وجود رابط را اثبات می‌نمایند. ایشان برهان وجود رابط را اینگونه توضیح می‌دهند که:

- مقدمه اول: بدیهی است که در خارج موجودات مستقل و فی نفسه وجود دارند.
- مقدمه دوم: بالوجدان در خارج، ویژگی ترکیب و اتحاد وجود دارد و موجودات مستقل و فی نفسه با یکدیگر مرتبط و متحد می‌شوند.

با توجه به اینکه موجودات فی نفسه، ماهیات مختلف دارند و ذاتشان با یکدیگر متفاوت است و ذاتاً اقتضای اتحاد و ترکیب ندارند؛ متحد شدن و ترکیب آن‌ها در خارج اثر شیء دیگری غیر از آن دو است و آن شیء وجود رابط است.

مثلاً: ماهیت انسان و ماهیت ضحک دو ماهیت متفاوتند و ذات آنها با یکدیگر متفاوت است؛ یعنی می‌توان بدون در نظر گرفتن ضحک انسان را تعقل کرد و همچنین تعقل ضحک متفرع بر تعقل انسان نیست و ماهیت آن دو مستقل از یکدیگر هستند. با این وجود، مشاهده می‌کنیم که این دو ماهیت با یکدیگر متحد می‌شوند و لذا نتیجه می‌گیریم که شیء دیگری به نام «رابط»، این دو را در ذهن و خارج با یکدیگر متحد کرده است.

علامه حسن زاده^۲ معتقدند که این استدلال قائم به قضیه نیست؛ بلکه در هر قضیه صادق و در مرکبات تقییدیه که قضیه هم نیستند، جاری است (حسن زاده، ۱۳۶۸، ۵۵). در ادامه، استاد حسن زاده بیان می‌کنند که آنچه بین دو مستقل، ربط ایجاد می‌کند، از جنس آن دو نیست؛ زیرا در این صورت خودش ذات مستقلی است که با طرفینش تفاوت دارد و برای اتحاد بین آن‌ها نیازمند دو ربط هستیم و چون فرض این است که ربط از جنس طرفین است، این دو ربط نیز برای ایجاد اتصال بین آن‌ها نیازمند روابط دیگری هستند. لازمه این بیان، وجود بی‌نهایت ربط بین آن‌ها است که بالضروره باطل است.

بنابراین هرگاه دو شیء مستقل در ظرفی -ذهن یا خارج- با یکدیگر متحد شوند، با توجه به برهان فوق، موجود ثالثی که همان ربط است، آن دو را با یکدیگر مرتبط کرده است. علامه^۳ در نهاییه برهان را چنین تقریر می‌فرمایند: «قضایای خارجی که از حیث موضوع و محمول با خارج انطباق دارند، مانند: زید ایستاده است و یا انسان خندان است و همچنین مرکبات تقییدی که از این قضایا می‌توان استخراج کرد مانند: ایستادن زید و خندیدن انسان، در همه اینها، بین موضوع و محمول یا مضاف و مضاف‌الیه امری یافت می‌شود که آن را نسبت یا ربط می‌نامیم که نه در موضوع تنها یافت می‌شود

و نه در محمول تنها، و نه در بین موضوع و چیزی جز محمول و نه بین محمول و چیزی جز موضوع؛ پس باید امری و رای موضوع و محمول باشد. از طرفی، جدایی آن از موضوع و محمول چنان نیست که بتوان آن را در کنار آن دو، موجود سومی فرض کرد» (طباطبائی، ۱۴۱۶، ۲۸).

علامه رحمته الله این نسبت یا ربط را قائم به طرفین قضیه و ترکیب می‌داند؛ یعنی خارج از آن دو نیست؛ در عین حال، نه عین آنها و نه جزئی از آنها و نه قابل انفصال از آنهاست. در صورتی که هیچ‌یک از دو طرف قضیه و ترکیب از حیث وجود، دارای چنین وضعی نیست. بدین ترتیب وجود بعضی از امور، فی‌نفسه است و آن را وجود مستقل می‌نامیم و وجود بعضی فی‌غیره است که آن را وجود رابط می‌گوییم.

۳. ویژگی‌های وجود رابط

بنابر توضیحاتی که درباره چستی وجود رابط بیان کردیم و با توجه به آنچه در برهان فوق گذشت؛ وجود رابط دارای خاصیت‌ها و ویژگی‌هایی است که وجود مستقل آن خواص را ندارد و توجه به این خواص، سبب می‌شود شناخت دقیق‌تری از وجود رابط به دست آوریم. این شناخت همه‌جانبه، ما را یاری می‌کند تا در مباحث مختلف بتوان با در نظر گرفتن خواص وجود رابط، از آن برای توضیح مسائل فلسفی، بهتر بهره برد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

(۱) وجود فی‌غیره در هیچ ظرف و محیطی - نه در ذهن و نه در خارج - استقلال ندارد. وجود رابط همواره با تحقق دو طرفش محقق می‌شود و «حقیقت‌ها متقومه بطرفیها». موجودات فی‌نفسه اگرچه ممکن است در خارج، برخی به صورت استقلالی (مانند انسان و فرس) تحقق یابند و برخی دیگر برای تحقق نیازمند موضوعی باشند - مانند ضحک -؛ ولی همیشه در ذهن دارای ماهیت و استقلال هستند؛ برخلاف وجود رابط که حتی در ذهن نیز به صورت استقلالی تحقق ندارد و در ضمن موجودات مستقلی که بین آن‌ها ارتباط ایجاد کرده است، محقق می‌گردد و با قطع نظر از اطراف، هیچ‌گونه تحقق‌ی در ذهن یا خارج ندارد.

استاد جوادی چنین می‌فرمایند: «معانی حرفیه با آنکه دلیل بر وجود خارجی آنها اقامه می‌شود، به نظر استقلالی مورد سؤال و جواب قرار نگرفته و تنها به تبع طرفین دریافت می‌شوند» (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ۲، ۳۹۰).

(۲) با توجه به اینکه وجود رابط بدون طرفین خود هیچ‌گونه تحقق‌ی ندارد و فانی و مندک در طرفین است و هیچ‌گونه استقلالی ندارد؛ پس اگر در ظرفی محقق شود، حتماً طرفینش نیز در آن

ظرف محقق هستند. اگر در ذهن، وجود رابط تحقق یابد، طرفین آن نیز در ذهن هستند و اگر در خارج، ربطی وجود داشته باشد، اطرافش نیز حتماً در خارج وجود دارند؛ لذا امکان ندارد که بین دو موطن و دو ناحیه، ربط ایجاد شود.

علامه طباطبائی رحمته الله می نویسد: «ظرفی که وجود رابط در آن تحقق می یابد، همان ظرفی است که دو طرف قضیه یا ترکیب در آن تحقق دارند؛ یعنی اگر وجود طرفین، قضیه خارجی باشد، وجود رابط نیز خارجی خواهد بود و اگر ذهنی باشد، ذهنی؛ و این طبیعت وجود رابط است که خارج از ظرف وجودی طرفین و دارای ذاتی متمایز از آنها نباشد. بنابراین وعاء وجودی طرفین، وعاء وجودی نسبت رابط نیز خواهد بود؛ یعنی نسبت خارجی بین طرفین خارجی و نسبت ذهنی بین طرفین ذهنی تحقق خواهد یافت. پس وجود نسبت، هم سنخ وجود طرفین است و بالعکس» (طباطبائی، ۱۴۱۶، ۲۹).

استاد جوادی آملی نیز چنین می گویند: «مراد صدرالمتألهین این است که چون وجود رابط بین دو چیز ربط برقرار می کند و ظرف تحقق ربط، ظرف تحقق طرفین است، پس هر دو طرف در ظرف واحد که همان ظرف اتّصاف موضوع به حکم است، محقق می باشند» (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ۲، ۳۹۴).

۳) اقتضای ذاتی ماهیت، غیریت و اختلاف است و ماهیات، مشار کثرت هستند. هنگامی که بین دو موجود مستقل، ربط محقق می شود، از آنجایی که این ربط، فانی در طرفین است و دو طرف قوام بخش آن هستند و حقیقت و ذات ربط، قابل تفکیک از آن دو نیست؛ لذا ربط، سبب اتّحاد طرفین می گردد.

۴) وجود رابط، ماهیت ندارد؛ چون ماهیت در جواب چیستی مطرح می شود و دارای مفهوم مستقل است، درحالی که وجود رابط حتی از جهت مفهوم نیز مستقل نیست، لذا ماهیت ندارد. علامه در نهاییه چنین می نویسد: «وجود رابط، دارای ماهیت نیست؛ زیرا ماهیات در پاسخ این سؤال که: آن چیست؟ قرار می گیرند و از حیث مفهوم مستقل هستند، درحالی که وجودهای رابط، مفهوم مستقل ندارند» (طباطبائی، ۱۴۱۶، ۳۰).

همچنین در بدایه، نظیر همین را می فرمایند (طباطبائی، ۱۴۱۴، ۴۱). علامه حسن زاده رحمته الله نیز به این مطلب، اشاره صریح می نمایند (حسن زاده آملی، ۱۳۶۸، ۵۸).

۵) از آنجاکه موضوع و محمول، امور مستقلی هستند تا بتوانند محکوم علیه و محکوم به واقع شوند و از آنجاکه وجود رابط، استقلال ندارد، پس هیچ جا با حیث رابط بودن، موضوع و محمول واقع نمی شوند. علامه حسن زاده رحمته الله به این مطلب تصریح کرده و معتقدند که وجود رابط، فی نفسه نیست؛

پس محمول واقع نمی‌شود (همان).

۶) وجود رابط در مطابق هلیات مرکبه، حاضر است؛ چون دو مفهوم استقلالی مانند انسان و ضحک، بر هم حمل گشته‌اند و به علت تطابق این قضیه با خارج، در خارج نیز این دو مستقل حاضرند و با ربط به یکدیگر پیوند یافته‌اند؛ ولی در هلیه بسیطه که مفاد آن تحقق شی واحد است، در خارج خبری از ربط نیست.

علامه طباطبائی رحمته الله علیه در مورد این مطلب در نهاییه چنین می‌فرمایند: «در قضایایی که حمل در آن از نوع حمل اولی است - مانند انسان انسان است - و نیز در هلیات بسیطه - مانند انسان هست - وجود رابط فقط به اعتبار ذهن تحقق دارد نه در خارج؛ چون وجود نسبت بین شیء و خودش بی معنی است» (طباطبائی، ۱۴۱۶، ۲۹).

استاد مطهری نیز در شرح مبسوط به این مطلب اشاره‌ای دارند (مطهری، ۱۳۷۶، ۹، ۱۶۴).

۷) یکی از آثار مهم وجود رابط که بسیار مهم و پر کاربرد است و تقریباً با توضیحات گذشته بدیهی گشته، این است که اتحاد بین موجودات فی نفسه، بدون وجود رابط طرفینی امکان ندارد؛ پس یکی از نشانه‌ها و خواص رابط طرفینی، اتحاد است.

علامه طباطبائی رحمته الله علیه در بدایه می‌فرماید: «این که چون وجود رابط میان دو چیز است، مستلزم این است که نوعی اتحاد میان آن دو باشد؛ زیرا وجود رابط، جدا و خارج از آن دو نمی‌باشد» (طباطبائی، ۱۴۱۴، ۴۱).

بنابر آنچه گذشت، حقیقت وجود رابط و تفاوت‌های آن با وجود مستقل روشن گردید. با توجه به روشن شدن حدود خصوصیات و براهین وجود رابط و با توجه به تأثیر گسترده آن بر مباحث فلسفی متعدد، به ذکر یک نمونه از تأثیرات این مسأله بسنده کرده تا کیفیت تأثیرگذاری آن روشن گردد و سایر آثار آن، به فصول آتی سپرده می‌شود.

۴. اثر وجود رابط در قاعده فرعیه

یکی از آثار وجود رابط، حلّ نزاعی است که در مسأله قاعده فرعیه بین اندیشمندان اسلامی وجود دارد. حکمای اسلامی در قضایای حملیه، قاعده‌ای به نام قاعده فرعیه مطرح کرده‌اند. بر اساس این قاعده، از آنجایی که سفسطه باطل است و علم حصولی مطابق با واقع است، هنگامی که در ذهن و در قضیه حملیه، محمول بر موضوع حمل می‌شود، در صورت صادق بودن آن قضیه، باید همه اجزایش مطابق با واقع باشد. لذا موضوع، محمول و ربط بین آن دو باید در خارج مصداق داشته باشند. بنابر

این دیدگاه - که دیدگاه حکمای مشاء است -، قاعده فرعیه عبارت است از: «ثبوت شیء لشیء فرعٌ لِثبوتِ المثبتِ له و الثابت».

۱-۴. اشکال بر قاعده فرعیه

در مقابل این نظریه، حکمای اشراق و عده دیگری از حکما و متکلمین، این دیدگاه را نپذیرفتند. اشکالی که ایشان به این قاعده مطرح کردند، این بود که با بررسی قضایای گوناگون، مشاهده می‌کنیم که گاهی در قضیه، محمول به گونه‌ای است که در خارج مصداق ندارد. این محمول‌ها عبارتند از:

۱) محمول‌های عدمی

گاهی محمول در قضیه، مفهومی عدمی است؛ مانند: زیدٌ أعمی. در این قضایا، قضیه در صورت مطابقت با واقع، صادق است؛ ولی اعمی چیزی را به زید اضافه نمی‌کند و مصداق خارجی ندارد.

۲) خارج محمول‌ها

برخی از محمول‌ها انتزاعی هستند و با مقایسه به دست می‌آیند؛ مانند فوق و تحت. این مفاهیم که در اصطلاح مشاء به آن‌ها خارج محمول یا محمول من صمیمه می‌گویند، هنگامی که بر موضوع حمل می‌شود، قضیه صادق است؛ ولی چیزی بر موضوع نمی‌افزاید و مصداق خارجی ندارد.

۳) مفاهیم فلسفی

مفاهیمی مانند علت، معلول، وجوب، امکان، تقدّم، تأخّر و... که در فلسفه بر موضوعات حمل می‌شوند، مفاهیمی انتزاعی هستند که حمل آن‌ها بر موضوع صحیح است؛ ولی مصداق خارجی ندارند و وجود آن‌ها در خارج، توالی فاسدی در پی دارد؛ مثلاً در قضیه «الانسان ممکنٌ»، اگر امکان در خارج وجود داشته باشد، خودش به عنوان یک موجود خارجی یا واجب است و یا ممکن؛ در صورتی که امکان خارجی، ممکن باشد، درباره محمول ممکن که برای آن ثابت شده است، این پرسش مطرح می‌گردد که واجب است یا ممکن؟ این پرسش درباره همه محمول‌های بعدی مطرح می‌شود که مستلزم تسلسل است. بنابراین امکان نمی‌تواند در خارج مصداق داشته باشد.

۴) قضایای هل بسیطه

محمول‌هایی که در سه مورد قبل ذکر کردیم، در قضایای هل مرکبه بودند. در قضایای هل بسیطه نیز محمول نمی‌تواند مصداق خارجی داشته باشد؛ زیرا در «الانسان موجودٌ»، معنای وجود محمول در

خارج این است که موجود، خودش محمولی به نام موجود دارد. وجود این محمول در خارج نیز به این معناست که محمول موجود بر آن حمل شده است. این مسأله در مورد تمام محمول‌های بعدی مطرح است که لازمه آن تسلسل است.

بنابر دیدگاه اشراق و برخی دیگر از اندیشمندان، با توجه به این قضایا لازم نیست در هر قضیه‌ای محمول نیز مانند موضوع مصداق خارجی داشته باشد؛ بلکه آنچه در قضیه حملیه ضروری است، وجود موضوع است؛ لذا قاعده فرعیه عبارت است از: «ثبوت شیء لشیء، فرعٌ لثبوت المثبت له».

۲-۴. حل مسئله قاعده فرعیه به وسیله وجود رابط

آخوند در دفاع از فلاسفه مشاء و پاسخ به اشکالات اشراقیین، می‌فرماید: این اشکال ناشی از خلط وجود رابط با وجود رابطی است؛ به عبارت دیگر آنچه را استدلال شیخ اشراق ابطال می‌کند، وجود فی‌نفسه محمول است، ولی وجود رابط را نفی نمی‌کند.

استاد جوادی مطلب فوق را چنین بیان می‌دارند: «هویت حرفی و غیر استقلال‌ی جهات ثلاث و دیگر معقولات ثانیة فلسفی، اشکالاتی را که شیخ اشراق و دیگران بر خارجی بودن آنها تصویر می‌نمودند، مرتفع می‌گرداند؛ زیرا در صورت وجود خارجی امکان و نظائر آن، به تسلسل و دیگر محذورات منجر می‌گردد که این محمولات از وجودی مستقل که مستلزم تکرر نوع آنهاست، برخوردار باشند» (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ۲، ۳۹۴).

این مطلب، بسیاری از معضلات باب معقولات ثانیة فلسفی را حل کرده و بسیاری از مفاهیم که در گذشته در عداد معقولات منطقی شمرده می‌شد را در عداد معقولات فلسفی قرار خواهد داد.

۵. دیدگاه منکرین وجود رابط

اکنون که در گفتار سابق، ادله قائلین به ربط بیان شد، نوبت به بیان اشکالات و جواب آنها رسیده است. نظریه ربط علی که معروف به وجود رابط یک طرفیست، همانطور که قبلاً گفتیم، نزد همه فلاسفه بعد از آخوند پذیرفته شده و مخالفی ندارد؛ اما بحث بر ربط طرفینی در عالم عین، مقابل ذهن است و سه مخالف بزرگ دارد؛ یعنی حکیم زنوزی رحمته الله، ملاهادی رحمته الله و استاد مصباح رحمته الله و البته مشهور معاصرین هم تابع استاد مصباح رحمته الله گشته‌اند. در مقابل استاد جوادی آملی و علامه حسن زاده رحمته الله به تبعیت از استادشان علامه طباطبائی رحمته الله، آن را پذیرفته‌اند.

ما در این گفتار، اهم اشکالات نافین و جواب آنها را از زبان استاد جوادی نقل خواهیم کرد. خلاصه

اشکال با دریافتی از استدلال علامه طباطبائی^ع بر ثبوت عینی ربط طرفینی است که اگرچه ماهیت جوهر و عرض در ذهن مستقل است و هنگامی که می‌گوییم: «الانسان ضاحک»، حمل صورت گرفته است و در ذهن، این دو ماهیت با یکدیگر متحد شده‌اند؛ ولی اعراض در خارج، وجود لغیره دارند؛ لذا غیر مستقل هستند و اقتضای آن‌ها، ارتباط و اتصال است. بنابراین اتحاد جوهر و عرض در خارج، دلیل بر وجود شیء دیگری به نام ربط نیست و این برهان نمی‌تواند وجود ربط را اثبات نماید.

به بیان دیگر، آنچه استقلال محمول نامیده شده، در ذهن است؛ اما در خارج، اساساً یک پدیده بیش نیست و نسبت تعدد ذهنی به خارج، از باب سرایت و خلط احکام ذهن به خارج است. وقتی محمول، عرض است، یعنی در خارج، غیر مستقل است و همین کافی در اتحاد خارجی می‌باشد؛ پس اتحاد خارجی، ربط نمی‌خواهد.

از آنجاکه این اشکال به دقیق‌ترین شکلش در کلمات استاد مصباح^ع آمده است -البته بخشی از آن در رساله وجود رابط حکیم زنوزی هم ذکر شده (زنوزی، ۱۳۷۸، ۲، ۱۷۸) و ملاهادی سبزواری هم در حاشیه اسفار ذیل بحث قاعده فرعیه، اشاره‌ای به آن کرده‌اند (صدرالدین، ۱۳۱۳، ۱، ۳۳۷) (البته کلام ملاهادی در فصل معقولات ثانیه بررسی خواهد شد)-، از همین رو نقل کامل کلام استاد مصباح^ع، کفایت می‌کند.

ایشان در آموزش فلسفه، ذیل بررسی مفهوم وجود چنین می‌فرمایند: «بعضی دیگر به این نکته توجه نکرده‌اند و مفهوم وجود را مطلقاً مشترك معنوی دانسته‌اند؛ بلکه پا را فراتر نهاده خواسته‌اند از راه چنین مفهومی، وجود عینی رابط را نیز اثبات کنند؛ ولی در اینجا هم بین مفاهیم و احکام منطقی با مفاهیم و احکام فلسفی خلطی صورت گرفته و احکام قضیه را که مربوط به مفاهیم ذهنی است، به مصادیق خارجی سرایت داده‌اند و بر این اساس، وجود نسبت در هلیات بسیطه را انکار کرده‌اند، به این جهت که نمی‌توان بین خود شیء و وجود آن نسبتی تصور کرد؛ در صورتی که وجود نسبت در قضیه‌ای که حاکی از يك امر بسیط است، مستلزم وجود خارجی نسبت در مصداق آن نیست؛ بلکه اساساً هیچ‌گاه نمی‌توان نسبت را از امور عینی و خارجی به حساب آورد و نهایت چیزی که می‌توان گفت این است که نسبت در هلیات بسیطه، نشانه وحدت مصداق موضوع و محمول و در هلیات مرکبه، نشانه اتحاد عینی آنها است» (مصباح یزدی، ۱۳۶۶، ۱، ۲۵۴).

همچنین ایشان در کتاب تعلیقه بر نهاییه، به خلط ذهن و خارج اشاره می‌کنند و بعد از ذکر خلاصه استدلال علامه^ع، تقسیم وجود به رابط و مستقل را از باب خلط مفاهیم منطقی و فلسفی می‌دانند؛ چراکه به اعتقاد ایشان، آنچه با بدهت قابل اثبات است، وجود رابط در حمل و در ذهن است و

برهانی برای اثبات خارجیت آن در میان نیست و برهان استفاده شده در متن علامه رحمته الله، از رابط در حمل برای اثبات خارجیت آن بهره برده که این استدلال هم با توجه به بیان فوق، مصون از خطا نیست و نهایت چیزی که از آن برداشت می‌شود، اتحاد مصداق موضوع و محمول است و این مطلب، وجود ربط در خارج را اثبات نمی‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ۵۸).

ایشان در نهایت ربط طرفینی را منکر شده و فقط ربط در باب علیت که یک طرفیست را می‌پذیرند. این بود کاملترین تقریر اشکال بر تحقق عینی وجود رابط طرفینی.

سابقاً اعتراف حکیم زنوزی و محقق سبزواری به اینکه آخوند، ربط طرفینی را خارجی می‌داند، نقل شد؛ هرچند خود آنها منکر خارجی بودن ربط بودند، اما استاد مصباح رحمته الله این نظریه را به آخوند هم نسبت داده است.

۶. پاسخ به اشکال منکرین

به این اشکال در دو مرحله پاسخ داده می‌شود:

• اول: علامه رحمته الله، برهان را به صورت شرطی مطرح کردند و در صورتی برهان جاری است که شرط محقق گردد. ایشان می‌فرمایند: «اگر در ظرفی دو مستقل وجود داشته باشد و این دو مستقل متحد شوند، این اتحاد اثر وجودی به نام «وجود رابط» است». در اشکال فوق، استقلال ماهیت «انسان» و «ضحک» و اتحادشان در ذهن پذیرفته شده است. بنابراین آنچه در ذهن بین این دو ماهیت اتحاد ایجاد کرده، «ربط» است و تحقق، اعم از ذهن و خارج است. حال اگر شما بگویید این دو در خارج، مستقل نیستند یا یکی از آنها مستقل نیست، آن موقع شرط در قضیه شرطیه محقق نشده است؛ این درحالیست که تمام فلاسفه، معقول اولی را مطابق با خارج و به اصطلاح «کما فی الذهن کذلک فی الخارج» می‌دانند و از زمان ابن سینا به این مطلب در باب طبیعی اشاره کرده‌اند.

• دوم: اساس اشکال بر عرضی بودن محمول است. پس نیاز به توضیحی در باب عرض (ضحک) هست تا معلوم شود که این برهان، وجود ربط را در خارج - در مقابل ذهن - نیز اثبات می‌کند. توضیح آن که شکی نیست که اعراض در ذهن، دارای ماهیت مستقل هستند و تعقل آنها متفرع بر تعقل شیء دیگر نیست. از طرف دیگر با توجه به دفع سفسطه و واقع‌نمایی ادراک، انطباق علم حصولی - حداقل در باب معقولات اولی - مسلم است؛ همانطور که در بالا هم اشاره شد: «الماهیه کما فی الذهن کذلک فی الخارج». وقتی ماهیت عرض، در ذهن مستقل است، یعنی در ذاتش اقتضای ربط ندارد؛ حال اگر وجود خارجی آن، اقتضای ربط داشته باشد، یعنی ماهیتی که در ذهن است، با ماهیت

خارجی انطباق ندارد که مستلزم سفسطه است. بنابراین اگر ماهیت عرض در ذهن مستقل است، در خارج نیز مستقل است و اگر در خارج اقتضای ربط دارد و مستقل نیست، در ذهن نیز نباید مستقل باشد، حال آن که بدیهی است که اعراض، دارای ماهیت مستقل هستند و بنابراین در خارج نیز اقتضای ربط ندارند؛ به اصطلاح منطقیین، مفهوم عرض در ذات ماهیات اخذ نشده، و الا دو مقوله (جوهر و عرض) در میان بود، نه ده مقوله. پس مفهوم عرض، عرض عام مقولات و البته ذاتی باب برهان آنهاست و به اصطلاح از «باب زیادة الحد علی المحدود» است. پس حال که اعراض هم ماهیت مستقل دارند - نظیر جوهر -، اتحاد آنها با جوهر، اثر شیء دیگری به نام ربط است.

عبارت استاد جوادی در مورد این مطلب چنین است: «نهم: دلیلی که برای تحقق ربط در خارج اقامه نموده‌اند، این است: اگر در هر قضیه علاوه بر نسبت حکمیه که امری ذهنی است، یک ربط و پیوند واقعی که مطابق آن نسبت است نباشد، تبدیل موضوع و یا محمول هر قضیه به دیگر موضوعات و محمولات، تفاوتی در صدق قضیه ایجاد نخواهد کرد؛ در حالی که در هر قضیه علاوه بر آن که موضوع و محمول هر قضیه از مصداق خود حکایت می‌کند، بین آن دو نیز پیوند و ربط خاصی است که ضامن صدق قضیه می‌باشد؛ البته این ربط به دلیل آن که در نهایت ضعف است، فاقد ماهیت مستقلی است که در عرض موضوع و محمول قرار داشته باشد، بلکه واقعیت و ثبوت آن به تبع واقعیت و ثبوت موضوع و محمول بوده و در پرتو آن دو نیز ادراک می‌شود.

ثبوت ربط بین موضوعات و محمولاتی که هر دو از معقولات اولی بوده و در خارج موجودند و یا بین محمولات و موضوعاتی که هر دو از معقولات ثانیة منطقی هستند و در ذهن محقق می‌باشند، اشکالی را به دنبال ندارد؛ زیرا در این موارد، عروض محمول نسبت به موضوع و اتصاف موضوع به محمول، هر دو عینی و یا هر دو ذهنی می‌باشند و ربط نیز که عهده‌دار پیوند موضوع و محمول است، در ظرف وجود موضوع و محمول، یعنی در خارج و یا در ذهن محقق است» (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ۲، ۳۹۰).

کلام ایشان نکات جالبی دارد که به علت ضیق مجال، پرداختن به آن را به فرصتی دیگر موکول می‌نمایم.

نتیجه‌گیری

این پژوهش، با تمرکز بر نوآوری‌های علامه طباطبائی^{ره}، به تبیین و تحلیل مسئله بنیادین «وجود رابط» در حکمت متعالیه و جایگاه محوری آن در نظام فکری ایشان

پرداخت. همانطور که نشان داده شد، علامه طباطبائی رحمته الله با اختصاص فصلی مستقل به این بحث، آن را از حاشیه به متن آورد و ابعاد آن را به شکلی نظام‌مند روشن ساخت. در این راستا، ابتدا چستی وجود رابط به عنوان وجود «فی غیره» در مقابل وجود «فی نفسه» تعریف و با استناد به برهان علامه رحمته الله، ضرورت تحقق عینی آن برای تبیین اتحاد میان موجودات مستقل اثبات گردید. سپس ویژگی‌های کلیدی وجود رابط، از جمله فقدان ماهیت، عدم استقلال مفهومی و مصداقی، هم‌سنخی با ظرف وجودی طرفین، و خاصیت اتحادبخشی آن، مورد بررسی قرار گرفت. این ویژگی‌ها، وجود رابط را به عنوان یک حقیقت هستی‌شناختی و نه صرفاً یک مفهوم منطقی، معرفی می‌کند. در ادامه، کاربرست عملی این مفهوم در حل یکی از معضلات دیرین فلسفی، یعنی «قاعده فرعیه»، به تفصیل شرح داده شد. تبیین علامه رحمته الله و پیروان ایشان نشان داد که چگونه با تفکیک میان وجود رابط و وجود رابطی، می‌توان به اشکالات حکمای اشراق پاسخ گفت و وجود محمولات عدمی، نسبی و فلسفی را به نحو رابط در خارج پذیرفت؛ بدون آنکه به محذوراتی نظیر تسلسل دچار شویم. مهم‌ترین بخش این نوشتار به بررسی دیدگاه منکران وجود رابط طرفینی در خارج، به ویژه اشکال محوری استاد مصباح رحمته الله یزدی مبنی بر «خلط میان احکام ذهن و واقعیات خارج» اختصاص یافت. استدلال مخالفان این بود که اتحاد جوهر و عرض در خارج، نیازی به فرض یک «رابط» ثالث ندارد، زیرا وجود عرض ذاتاً «لغیره» است. در مقابل، پاسخ مبتنی بر دیدگاه علامه طباطبائی رحمته الله ارائه شد که با تأکید بر استقلال «ماهیت» عرض در ذهن و لزوم تطابق آن با خارج (قاعده «الماهیه کما فی الذهن کذلک فی الخارج»)، نتیجه می‌گیرد که اتحاد دو ماهیت مستقل در خارج، جز با فرض یک «وجود رابط» عینی ممکن نیست و این امر، گریز از سفسطه را تضمین می‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وجود رابط در تفکر علامه طباطبائی رحمته الله و جریان فکری وابسته به ایشان، صرفاً یک تقسیم‌بندی انتزاعی نیست؛ بلکه یک اصل هستی‌شناختی کارآمد و کلیدی است که سنگ‌بنای تبیین انسجام و وحدت در کثرت‌های عالم خارج محسوب می‌شود. این اصل نه تنها معضلات کلاسیک فلسفی را مرتفع می‌سازد، بلکه افق‌های جدیدی برای تحلیل مباحث عمیق‌تری همچون حرکت جوهری، اتحاد عاقل و معقول و در نهایت، تبیین رابطه فقری ممکنات با واجب‌الوجود می‌گشاید و بر عمق و غنای حکمت متعالیه می‌افزاید.

فهرست منابع

۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۳، حقیق مختوم، قم، اسراء.
۲. حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۶۸، العمل الضابط فی الرابطة و الرابط، چاپ اول، تهران: قیام.
۳. زنوزی، علی بن عبدالله، ۱۳۷۸ ش، مجموعه مصنفات حکیم موسس آقا علی مدرس طهرانی، تهران، اطلاعات.
۴. صدرالدین، محمد شیرازی، ۱۳۱۳ ش، الحکمه المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة با حاشیه علامه طباطبائی، قم، مکتبه المصطفوی.
۵. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۶، نهاییه الحکمه، قم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۴ ق، بدایه الحکمه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۶۶ ش، آموزش فلسفه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۸. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۳، تعلیقه بر نهاییه الحکمه، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶ ش، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا.